



رثای حسینی در اشعار عربی قرن سوم

دکتر حمیدرضا مشایخی^۱

چکیده

وروود حماسه کربلا به حیطه شعر و ادبیات یکی از عوامل ماندگاری و پایایی آن به شمار می‌آید، زیرا قالب تأثیر گذار و نافذ شعر و مرثیه، میان دلها و عاطفه‌ها از یک سو و حادثه عاشورا از سوی دیگر پیوند زد و احساس غم، حسرت و خشم را در مخاطبان بر افروخت و باعث به وجود آمدن غنی‌ترین ذخائر فکری و احساسی شیعی در زمینه ادبیات گردید.

تاریخ سرایش رثای حسینی، صرف نظر از شواهدی که از وجود آن پیش از واقعه شورا حکایت دارد، از حادثه کربلا آغاز گشت و ادبیات عربی را غنی و پربار نمود. انگیزه‌هایی چون اعتقاد دینی و نیل به پاداش اخروی، جذابیت شخصیت امام حسین(ع)، حادثه غم انگیز کربلا و شدت تراژدی آن باعث شد تا شاعران شعرهایی بدیع و پربار را در قالب رثا بسازند. واژگان ساده و دلنشیں و دارای بار عاطفی مناسب، وزنهای گوناگون، پیوند ناگرسختنی آن با اصول شیعی به همراه عاطفه صادقانه، تصاویر هنری زیبا و متنوع و دارای قدرت القایی بالا و تخیلات شاعرانه از یک بعد و پرداختن به جنبه‌های تاریخی کربلا، بیان حقانیت اهل بیت(ع) و ستمهای وارده به آنها از بعد دیگر، زمینه ظهور یکی از سوزناک‌ترین مراثی قرن سوم را فراهم آورد و صحنه‌هایی واقعی از آن را برای مورخان و مقتول نویسان به نمایش گذارد.

واژگان کلیدی: کربلا، شعر، اهل بیت، رثا، شیعه، شاعر، امام حسین

۱- استادیار دانشگاه مازندران. نشانی الکترونیکی: hamidreza.mashayekhi@yahoo.com

۱- مقدمه

ورود حماسه کربلا به حیطه شعر به ویژه رثا یکی از عوامل ماندگاری و پایایی نهضت عاشورا به شمار می‌آید، زیرا حضور پررنگ در قالب نافذ مراثی سروده شده و در سوگداشت شهدای کربلا از سوی بیوند دهنده میان عواطف و دلایل سوخته و حقیقت طلب است و از سوی دیگر به نوبه خود باعث غنا و اعتلای اشعار و مراثی می‌باشد.

از این منظر، مرثیه‌های حسینی در قرن سوم هجری از غنی‌ترین و حماسی‌ترین ذخایر فکری و احساسی شیعی است و شهرت برخی از شاعران چون دعبل نیز مدیون همین ذخیره فکری و احساسی شیعی می‌باشد. آنان پرداختن به واقعه عاشورا را برخود فرض می‌دانستند و چنین امری صرف نظر از محبت به حضرت سید الشهداء، ریشه در تأیید و تشویق و سفارش ائمه معصومین (ع) در به تصویر کشیدن و احیای همیشگی عاشورا داشت.

بنابر چنین تفکری، شاعران شیعی پس از حماسه کربلا به ویژه در قرن سوم به رثای آن حادثه روی آوردن تا جایی که قرن سوم می‌توان منشاً بسیاری از مرثیه‌ها و اشعار حسینی دانست، زیرا شاعران زیادی در این قرن در دفاع از واقعه کربلا و نشر و گسترش فرهنگ عاشورایی به سروden شعر به ویژه رثا مبادرت ورزیدند و با خلق مضامین نو و دلنشیں آن حادثه بزرگ را به شکلی قابل قبول به تصویر کشیدند. کتابهای ادبی مربوط به این قرن مملو از اشعار این گونه شاعران می‌باشد و پیامد آن از سوی پژوهشگران ادبیات عربی، در سراسر جهان در خصوص رثای حسینی و ویژگیهای آن به طور کلی کتابهای و مقالاتی به چاپ رسید و هریک به گوشاهای از آن توجه نمودند. در زمان معاصر نیز می‌توان به کتابهایی با عنوان امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی و شعر متعدد شیعی در عصر عباسی اشاره نمود که تنها به گوشه‌هایی از روند رثای حسینی به طوری کلی و نه مختص به قرن سوم اشاره نموده‌اند.

اما این مقاله در پی بررسی ویژگیهای رثای حسینی در قرن سوم است که مهم‌ترین مرحله شعری ادبیات عربی به شمار می‌آید تا این رهگذر مشخص گردد خصوصیات آن چه بوده و اصولاً شاعران از چه مضامینی برای بیان واقعه عاشورا در شعر بهره گرفته و محتوا و مفاهیم اشعارشان چه بوده است؟ و چرا شاعران از موضوع رثا برای بیان آن یاری جسته‌اند؟

۲- رثا در لغت

رثا در لغت دارای معانی بسیار است در لسان العرب چنین آمده: «رثا فلان فلاناً اذا بكاه بعد موته ورثوت الميت اذا بكيته وعددت محسنه» فلانی در باره فلانی رثا گفته است، یعنی پس از مرگ او بر وی گریست. بر مرد گریستم و محسن او را بر شمردم (ابن منظور، ۱۹۸۸: ج ۵، ص ۱۳۸). در صحاح نیز آمده: «رثيٰت عنـه حديثاً ارشـي اذا ذكرـتـه عنـه» (جوهری، ۱۹۹۸: ج ۲، ص ۱۷۱). مؤلف منجد الطلاق نیز چنین می‌گوید: «رثا الميت رثوا»: گریست بر مرد و او را ستایش کرد و برایش شعر گفت. (سیاح، ۱۳۷۵: ش ۴۴۳)

۱-۲: رثا در اصطلاح

رثا یکی از فنون شعر غنایی است که شاعر در آن از حزن و اندوه خویش در فقدان محبوبش سخن می‌گوید. این فن دارای گونه‌ها و گرایشهای مختلفی است که مطابق طبیعت و مزاج و جایگاه گوینده آن متفاوت می‌باشد، پس هر گاه گریه و زاری بر مرگ میت افزایش یابد و گوینده در شعر به بیان شوق و اندوه خود در مرگ میت پیردازد، به آن ندبه گویند و هر گاه به بیان ویژگیهای پستدیده که در شخص میت وجود داشت پیردازد، به آن تأیین گویند و هر گاه در کلامش رنگ اندیشه و تأمل در حقیقت مرگ و زندگی غلبه یابد به آن عزا گویند. (ناصیف، بی‌تا: ص ۵)

۲-۲: انواع رثا

رثا بر اساس فرد میت و نسبت او با شاعر و جایگاه و مرتبه او از نظر اجتماعی و سیاسی و جز آن به چند نوع تقسیم می‌شود. از مهم ترین انواع آن می‌توان به رثای شهداء، والدین، فرزند، برادر، درباریان و خلفاء، اشراف و بزرگان قوم، همسر، نفس (خود شاعر) شهرها، اسب، شتر، سگ که شاعر تعلق خاطری به آنها داشته است، اشاره کرد. از آن جایی که ذکر همه این نمونه‌ها از مجال این بحث خارج است تنها به یک نمونه آن اکتفا می‌کنیم.

۲-۳: رثای شهداء

این نوع رثا غالباً از عاطفه‌ای دینی برخوردار است و عقاید و باورهای بسیاری در آن به چشم می‌خورد. برای نمونه می‌توان به مرثیه منتنسب به امام علی (ع) در رثای حضرت فاطمه(س) اشاره کرد. که ابن عبدالرہ در «العقد الفريد» نقل کرده است. امام (ع) آن را در هنگام دفن پیکر مظہر حضرت فاطمه(س) سروده‌اند و علاوه بر رثای شهیده اسلام، حاوی حکمتها و اندیشه‌های دینی می‌باشد:

لِكُلِّ إِجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرَقَةٌ
وَكُلُّ الْذِي دُونَ الْمَمَاتِ قَلِيلٌ
دَلِيلٌ عَلَى أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلٌ
إِنَّ افْتَقَادِي وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ

(ابن عبدالرہ، ۱۹۸۳: ج ۳، ص ۱۹۸)

اجتماع دوستان جدایی دارد و هر چیزی که در برابر مرگ قرار دارد اندک و بی مقدار است. از این که من یکی پس از دیگری آنها را از دست می‌دهم، دلیلی است بر این که دوستی پایدار و جاودانه نیست.

۴-۴: تبیین جایگاه رثا در ادبیات عربی

رثا یکی از قدیمی ترین موضوعات شعر به شمار می‌آید. شاید بتوان آن را از جمله اشعار نخستین انسان دانست و قدمتی برابر با قدمت لالیهای عامیانه مادران نخستین بر آن قابل شد، زیرا یکی از زندگی سخن می‌گوید و دیگری از مرگ و سرنوشت محظوظ انسان.

در زمینه رثا با مفهوم ادبی اش می‌توان گفت یونانیان از پیشگامان آن به شمار می‌آیند، چون «رثا جایگاهی بارز در شعر یونان قدیم داشت و شاعرانی چون ارخلو کوس و مانند او به این فن شهرت داشتند.» (ضیف، ۱۹۹۵: ص ۱۰)

شاعران عرب نیز از این امر مستثنی نبودند چرا که اندیشه مرگ و زوال انسان امری اجتناب ناپذیر بود. به همین دلیل شاعران چه در دوره جاهلی و چه اسلامی همواره در اشعارشان به یاد مرگ نغمه سرایی می‌کردند و حکمت‌هایی زیبا درباره آن بیان می‌داشتند، چنان که زهیر از شاعران جاهلی چنین می‌گوید:

وَ مَنْ هَابَ أَسْبَابَ الْمَنَائِيَا يَنْلُنُهُ وَ لَوْ يَرِقَ أَسْبَابَ السَّمَاءِ بِسُلْمٍ

(زهیر، ۲۰۰۵: ص ۷۰)

هر کسی از مرگ بگریزد، مرگ او را در ک خواهد کرد اگر چه با نزدیکی به راه‌های آسمان صعود نماید.

با ظهور اسلام و به واسطه نشر احکام الهی و انگیزه‌های اعتقادی، فرمان برداری، مشارکت در جهاد و نیل به ثواب الهی بر مفاهیم رثا افزوده شد. و ارزش‌های شعر رثا، صبغه الهی گرفت و پرداختن به ملاک‌های ارزشی اسلام مورد توجه مرثیه سرایان واقع شد و تسلی و تعزیت شاعر، به تأمل در سرنوشت انسانها و معاد سوق یافت و بسیاری از رثاها به ذکر رثای کشته‌شدگان و شهدای جنگ‌ها اختصاص یافت که از جمله می‌توان به شعر حسان، شاعر پیامبر، اشاره کرد:

فَإِنْ تَذَكُّرُوا قُتَلَىٰ وَ حَمْزَةُ فِيهُمُ
قَبِيلُ شَوَّى اللَّهِ وَ هُوَ مُطِيعٌ
وَ أَمْرُ الَّذِي يَقْضِي الْأُمُورَ سَرِيعٌ
فَإِنَّ جَنَانَ الْخُلُدِ مَنْزِلُهُ بِهَا

(حسان، ۱۹۸۷: ص ۱۱۳)

اگر کشته‌گان را که حمزه از جمله آنان است به یاد آورید، او کشته شده‌ای است که مطیعانه به خاطر خدا در خاک آرمیده است.

به راستی بهشت جاودان منزلگاه اوست و دستور خدایی که امور را اداره می‌کند، سریع می‌باشد. پس از صدر اسلام نیز روزبه روز بر تحول رثا چه در مفاهیم و چه ساختار و قالب افزوده شد تا جایی که پس از شهادت امام علی (ع) نوعی احتجاج و اعتراض نسبت به غاصبان حقوق ایشان به آن اضافه گردید و شاعران شیعی در عین شجاعت در دفاع از ولایت و امامت به احتجاج و استدلال نسبت به حق امام (ع) روی آوردند و شعرشان بازگو کننده حقانیت اهل بیت در خلافت پس از پیامبر اکرم (ص) شد.

در دوران حاکمیت امویان که شاعران دربار هم با سیاست بیداد و تعصبات قبیله ای آنها هم سو بودند، شاعران شیعه با الهام از تعالیم ائمه اطهار (ع) و بهره‌گیری از جایگاه شعر و ادب در جامعه برای دفاع از حقانیت تشیع، باب استدلال را به سوی ادبیات گشودند و به تبلیغ معارف اهل بیت (ع) و ارشاد مردم همت گماردند، که در این خصوص می‌توان به اشعار کثیرین کثیرالسهمی در رثا و مناقب امام علی (ع) و اهل بیت (ع) اشاره کرد:

لَعْنَ اللَّهُ مَنْ يَسْبُبُ عَلَيَا
 وَحُسَيْنًا مِنْ سُوقَةٍ وَإِمَامٍ
 أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَالْإِسْلَامِ
 طِبْتَ يَيْتَأً وَطَابَ أَهْلُكَ أَهْلًا
 (حوفي، بی‌تا: ص ۱۸۷)

خداؤند لعت کد کسان دون پایه ای را که علی و حسین و امام جانشین آنان را دشام می‌دهد. تو (امام علی) از خاندان پاکی هستی و اهل بیت تو که از خاندان پیامبر هستند و وابسته به اسلام، پاک و مطهر می‌باشند.

در این دوره، رثای شیعی بازترین نوع شعر به شمار می‌آید، چون از عشق به اهل بیت و عاطفة حزن و غضب شاعر سرچشم می‌گیرد و در پرتو ماتم سرایی بر شهیدان و بیان اوضاع سیاسی - اجتماعی و تصویر و قایع، به دفاع از اهل بیت (ع) برخاسته و تشویق مردم به انتقام از غاصبان را در نظر داشته است.

در دوران عباسیان نیز علی‌رغم برخی تفاوتها در نوع و محتوا، همان رویکرد شعری که در دوره اموی در رابطه با شعر رثا وجود داشت، ادامه یافت. در این دوران علاوه بر گونه‌های سنتی رثا همچون رثای فرزند، برادر و دوستان، گونه‌های رثای خلفاء و درباریان و در نقطه مقابل آن رثای اهل بیت (ع) به طور چشمگیری گسترش یافت، به طوری که زیباترین نمونه‌های رثای شعر عرب در این دوره مشاهده می‌شود. در این میان می‌توان به متنی اشاره کرد که سرآمد مدیحه گوینی و مرثیه سرایی در این عصر می‌باشد.

۳- جایگاه رثای حسینی در ادبیات عربی

اگر میزان شعر را آن گونه که معاصران می‌گویند، تأثیرگذاری بر مخاطب و برانگیختن عواطف بدانیم، شعر حسینی در اوج اقتدار ایستاده و در حقیقت این ادبیات شیعه است که ادبیات عرب را غنی و پربار کرده و دلیل آن نیز موقعیت شیعه است که به صورت طبیعی موجب شعله و رکردن عاطفة خشم و حزن و تحرک آن می‌گردد و این خود بهترین پشتونه ادب محسوب می‌شود. (امین، ۱۹۳۴ م: ج ۳، ص ۳۰۰-۳۰۱)

بنابراین جایگاه شعر عاشورا در ادبیات عربی به ویژه شعر شیعی چون نگینی در خشان در حلقة ادبیات دینی است و ورود حماسه کربلا به حیطة شعر و ادب یکی از عوامل ماندگاری و پایایی آن نهضت به شمار می‌آید، زیرا قالب تأثیرگذار و نافذ شعر و مرثیه، میان دلها و عاطفه‌ها از یک سو و حادثه عاشورا از سوی دیگر پیوند زد و احساس غم، حسرت، خشم و مسئولیت را در وجود شنوندگان این نوع مراثی برافروخت، به عبارت دیگر ادبیات عاشورایی به عنوان غنی ترین ذخیره‌های فکری و احساسی بر زبان شعر تأثیر نهاد و شعر رثا و سوگ سروده‌های مذهبی راغنا و اعتلایی ویژه بخشید تا جایی که برخی از شاعران نیز ماندگاری نام خویش را مدیون پرداختن به توصیف قیام کربلا بودند، که از میان آنان می‌توان به دعبدل، شریف رضی، مهیار دیلمی و فرزدق اشاره کرد.

۳-۱: نخستین نمونه‌های شعر رثای حسینی

تاریخ آغاز سروden شعر عاشورایی تقریباً روشن است و می‌توان شروع جریان محرم و واقعه عاشورا را

تاریخ رسمی شروع مرثیه حسینی نامید، اما کتابهای تاریخی و دینی بعضی از شواهد را ذکر می‌کنند که حاکی از وجود مرثیه هایی پیش از شهادت امام حسین(ع) و یارانش دارد. در منابع عامه و خاصه آمده است که جریان شهادت امام(ع) در حدود بیست مورد برای پیامبر(ص) خوانده شد و آن حضرت پس از شنیدن آن، سوگواری نمودند.(فیروزآبادی، ۱۹۹۹: ج ۳، ص ۲۷۲) از امام باقر(ع) نیز نقل شده است که هر گاه امام حسین(ع) نزد پیامبر(ص) می‌آمد، آن حضرت او را به خود می‌چسباند و به امیر مؤمنان می‌فرمود «او را نگهدار» علی(ع) حسینش را نگه می‌داشت و پیامبر او را می‌بوسید و می‌گریست. (شوشتاری، ۱۹۹۴: ص ۲۴۹)

در روایتی نیز آمده که نخستین کسی که در رثای امام حسین(ع)، قاتل وی را لعنت کرد، ابراهیم(ع)، خلیل رحمان، بود. پس از پیامبر(ص) نیز امیر مؤمنان و فاطمه(ع) و امام حسن(ع) و اهل بیت برای امام حسین(ع) و مصایبیش اشک ریختند و عزاداری کردند. هم چنین در روزهای قبل از شهادتش در واقعه عاشورا، رثاهایی در رابطه با ایشان شنیده شد، در مسیر هجرت امام(ع) از مکه به کوفه درین راه و در منزل خزیمه، امام ندایی شنید که می‌گفت:

أَلَا يَا عَيْنُ فَاحْقَفْلِي بِجَهْدِ
وَمَنْ يَبْكِي عَلَى الشُّهَدَاءِ بَعْدِ

(شیر، ۱۹۸۰: ج ۱، ص ۳۵)

هان ای چشم، بسیار اشک بیار، چه کسی پس از من بر شهیدان اشک می‌ریزد؟
هم چنین اشعاری که به ام لقمان، دختر عقیل بن ابی طالب، نسبت داده شد، نیز از نخستین مرثیه‌ها قلمداد می‌گردد و با حادثه کربلا ارتباطی تنگاتنگ دارد:

مَاذَا تَقُولُونَ إِذْ قَالَ النَّبِيُّ لَكُمْ
مَاذَا فَعَلْتُمْ وَ أَتَنْتُ أَخْرُ الْأُمَمِ

مِنْهُمْ أَسَارَىٰ وَ مِنْهُمْ ضُرِّجُوا بِدِمٍ
بِعِرْتَتِي وَ بِأَهْلِي بَعْدَ مُفْتَدِي

(طبری، ۱۳۷۵: ج ۶، ص ۲۲۱)

وقتی پیامبر به شما بگوید: شما که آخرین امتها هستید چگونه با عترتم رفتار کردید، به او چه خواهید گفت.

سوگند به عترت و اهل بیتم پس از مرگ من برخی از آنان، اسیر می‌شوند و برخی دیگر به خون آغشته خواهند شد.

از دیگر نمونه‌های رثای حسینی می‌توان به اشعار عقبه بن عمرو السهمی اشاره کرد. وی نخستین شاعر غیر اهل بیت است که در رثای عاشورا ایان شعر سرود و در اوآخر قرن اول به کربلا رفت و نزدیک قبر آن حضرت ایستاد و گفت:

فَفَاضَ عَلَيْهِ مِنْ دُمُوعِي غَزِيرُ هَا
مَرَرْتُ عَلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ بِكَرْبَلَاءَ

(امین، ۱۴۱۵: ق ۸، ص ۴۶)

من در کربلا بر قبر امام حسین(ع) گذر کردم و اشکهای لبریز من بر آن جاری گشت.

سید حسن صدر نیز از او به عنوان نخستین شاعری نام می‌برد که در رثای امام حسین(ع) شعر سروده است. (صدر ۱۳۵۴ش: ص ۲۰۴) علاوه بر او می‌توان از عبیدالله بن حر جعفی(ع) و ابوالأسود الدؤلی (۶۹ق)، سلیمان بن قتنه (۱۲۶ق) و ابوالرمیح (۱۰۰ق) نام برد. (امین، همان: ج ۳۰۸ص)

بنابراین، ویژگیهای شعر رثای حسینی دوران پیش از قرن سوم را می‌توان چنین بیان کرد که گریه و زاری در اشعار آن دوران به دلیل قرب زمانی با واقعه کربلا، محسوس و دردناکتر است و شاعران بی باک و عاشق، به وضوح و صادقانه از ضمیر دردمند خویش پرده بر می‌دارند، علاوه بر آن در سالهای آغازین واقعه کربلا، شاعران نادم، اشعار جانسوزی را درباره افسوس و پشماني خویش به جا نهاده و با وجود برخورد دربار اموی و عباسی، آنان با یادآوری مصابیی که بر خاندان پیامبر وارد گردید به هجو درباریان پرداخته و پرده از رسوابی ایشان برداشته‌اند.

۲-۳: شعر رثای حسینی در قرن سوم

۲-۱: انگیزه‌ها

در این قرن شاعران بنابر انگیزه‌های گوناگون در سوگ امامان و اهل بیت(ع) به سروden مراثی پرداختند. گروهی به نیت ثواب و نیل به پاداش اخروی و با توجه به ترغیب ائمه(ع) و تشویق آنان در دوره‌های پیشین و هم چنین احادیث و روایات، مبنی بر ثواب اخروی برای مرثیه سرایی در سوگ شهدای اهل بیت(ع)، به رثای امام حسین(ع) و شهیدان کربلا روى آوردن.

برخی دیگر به دلیل تعلقات اعتقادی و وابستگیهای مذهبی نه نیل به ثواب در این میدان گام برداشتند که باید به بسیار از اشعار شاعران شیعی و ملحمه سرایان حسینی از این منظر نگریست.

گروهی از شاعران با مسلکها و مذاهبان مختلف، مجنوب حماسه حسینی گشتند و در اقتداء به راه و رسم او زبان به شعر گشوده‌اند که از میان آنان می‌توان به ابن معتز عباسی اشاره کرد که خود یکی از خلفای عباسی بود و گراش و تمایلی به علویان نداشت.

حب و عشق به اهل بیت(ع) نیز از دیگر انگیزه‌های شاعران شیعی می‌باشد که اشعارشان را در رثای امام حسین(ع) به عنوان یکی از خواص اهل بیت و محبوب پیامبر(ص) سروده‌اند.

عمق فاجعه و شدت تراژدی عاشورا نیز از عواملی است که بسیاری از ادبیان، از هر مسلک و مرام را تحت تأثیر قرار داد و باعث شد تا بزرگی مصیبت را در قالب شعر به نظم درآورند.

کسانی که درباره امام(ع) شعر گفته‌اند، همه سروده هاشان اختصاص به امام(ع) ندارد، بلکه مراثی برخی مختص به ایشان و پیام عاشوراست و در ضمن آن به موضوعاتی دیگر وارد نگشته و یا بسیار اندک به آن پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به دعبل خزاعی اشاره نمود. عده‌ای قصیده یا قصائدی را در باره حضرت سروده اما در موضوعات دیگر نیز آفرینش شعری داشته‌اند. از این دست شاعران می‌توان از دیک الجن حفصی نام برد. گروهی نیز به صورت رمز و اشاره از امام و قیام او یاد کرده و قصیده‌ای کامل را به آن اختصاص نداده اند. شاید بتوان علت این امر را عواملی چون اختناق حاکم، عدم وجود مرکزیت واحد مکانی برای شاعران شیعی و نبود ترغیب و تشویق شاعران شیعی به شکل فرآگیر در مقابل تهدیدها و

تکفیرهای دشمنان دانست، تا آن‌جا که بسیاری از کتابها و اشعار حسینی به دلیل اختناق و دیگر عوامل یاد شده در دل خروارها خاک دفن گردید و از میان رفت.

۴- ویژگیهای ساختاری شعر رثای حسینی

۱- زبان

شعر، هنری است که وظیفه اصلی آن در حیطه ساختار به جز سیر در خیال و تصور و وزن، فتح قله‌های بالاتر و کشف امکانات زبان و شیوه‌هایی تازه از بیان است که هیجان و روحی تازه را در کلام ایجاد کند و عاطفه و خیال و اندیشه را با ابزاری مناسب به ذهن شونده منتقل سازد، این ابزار چیزی جز مجموعه‌ای از واژگان و روابط خاص میان آنها نیست. از این منظر، زبان مراثی در این قرن از سادگی، روانی و صمیمتی دلنشیں و شاعرانه برخوردار است. زبانی که به هیچ روی برای مخاطب ملال آور نیست و ارتباط میان شعر و مخاطب به بهترین وجه صورت می‌گیرد و خواننده با همان خوانش اولیه، موضوع را در کمی کند و پی به هدف شاعر می‌برد، بدون آن که در این زبان ساده از جنبه‌های هنری رثاهای این دوره کاسته شده باشد، مثل این اشعار:

أَبْكِيْكُمْ يَا بَنِيَّ التَّنَوُّى وَ أَعُولُكُمْ
وَ اشْرَبُ الصَّرْبَ وَهُوَ الصَّابُ وَ الصَّبْرُ

أَبْكِيْكُمْ يَا بَنِيَّ بَنْتِ الرَّسُولِ وَ لَا
عَفْتُ مَحَلُّكُمْ الْأَنْوَاءُ وَ الْمَطْرُ

تَغْرِيَةً وَ لِدَمْعِي مِنْ تَذَكِّرِهِمْ
فِي كُلِّ يَوْمٍ لِقَلِّي مِنْ تَذَكِّرِهِمْ

(حمصی، م۲۰۰۴: ص۱۳۷)

ای فرزندان تقوا و پرهیزگاری، من بر شما اشک می‌ریزیم و شیون و زاری می‌کنم و جام صبر را که تلخ و سخت است می‌نوشم.

ای فرزندان دختر پیامبر من بر شما اشک می‌ریزم در حالی که باران و قطرات تند آن جایگاه شما را نابود و محون نساخت. هر روز در دلم به خاطر یاد شما از شدت غم و اندوه، بی قراری وجود دارد و اشکهایم جاری می‌باشد.

در این رثا، شاعر ضمن استفاده از واژگان و ترکیبیهای واژگانی ساده، حداکثر بار عاطفی ناشی از حزن درونی خویش را در سوگ امام حسین (ع) و یارانش به خواننده منتقل می‌کند. زیرا واژگانی مانند (الصبر، الصاب، الانواء، المطر، الدمع...) همگی در فضای کلی رثا به بهترین شکل، کار کرد خود را که همان القای حسن اندوه و بی قراری و صبر بر شهداد اهل بیت امام حسین (ع) می‌باشد، ایفا می‌کنند.

در رثایی دیگر از قاسم بن یوسف الکاتب (ق) نیز با چنین ویژگی روبه رو می‌شویم:

سَلَمٌ عَلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَ قُلْ لَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ مِنْ قَبْرِ

زَالَتْ عَلَيْكَ رَوَائِحُ تَسْرِي وَ سَقَاكَ صُوبُ الغَادِيَاتِ وَ لَا

لِلرَّأْمَسَاتِ وَ وَاكِفُ الْقُطْرِ أَصْبَحْتَ مُعْتَرِبًا بِمُخْتَلِفِ

(شهر، همان: ج۱، ص۳۳۲)

بر قبر امام حسین (ع) سلام بفرست و به او بگو: درود و صلوات خدا بر قبر تو باد.
و باران صبحگاهی تو را سیراب سازد و بادهای شامگاهی پیوسته بر تو بوزد.
تو به خاطر ابرهای تند و بارانهای شدید (یعنی دشمنان) از دیار و میهن خود دور مانده‌ای.
در این اشعار شاعر ضمن بهره‌برداری از واژگانی ساده و ترکیبها و تصاویر پر کاربرد در شعر عربی
مثل (سقاک صوب الغادیات...) به ارزش هنری توجه کامل دارد و طرز چیش این واژگان و ترکیبات را
طوری انتخاب می‌کند که در همراهی کامل با فضای کلی شعر برای بیان اندوه باشد.
شاعران حسینی با آگاهی از ذوق و قریحه و سلیقه مخاطبانشان، تمام سعی خود را به کار گرفته‌اند تا
مضمون و اهداف رثاها را به دلنشیش ترین شکل ممکن نشان دهند. اما نکته‌ای که کمی تأمل و درنگ را
بر می‌انگیزد، یک لایه بودن زیان شعر در رثاها است، به عبارت دیگر این گونه اشعار در سطح حرکت
می‌کنند یعنی علی رغم داشتن تلمیحات و تضمینها و گاه استعارات بعید در درون خود، مضمون و پیامی را
پنهان نکرده اند که برای کشف آن نیاز به دادن کلید به خواننده باشد.
از آن جا که مخاطب آن اغلب عامه مردم هستند از ویژگیهای رثای حسینی جوششی بودن و نه
کوششی بودن آن است که نشان می‌دهد، مخاطب پذیر بودن به عنوان یکی از عوامل اصلی زبان، در این
اشعار مورد توجه قرار گرفته است.

۴- وزن

شعر رثای حسینی در قرن سوم در وزنی مشخص و محدود سروده نشده است، یعنی شاعران در این دوره، انواع وزن‌ها و بحرها را برای بیان مرااثی خود آزمودند، اما با نگاهی به سروده‌های این دوره می‌توان به این نتیجه رسید که بحرهای شعری (کامل، وافر و طویل) از پرکارترین بحرهای شعری هستند که شاعران آنها را در اشعار خویش به کار گرفته‌اند، مثل:

حَسِبَ الَّذِي قُتِلَ الْحُسَى نَمِنْ الْخَسَارَةِ وَ النَّدَاءِ

إِنَّ الشَّفِيعَ لَدَى الْأَلِ هِ خَصِيمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

(طريحي: بي تاص ۱۱۱)

برای قاتلان امام حسین (ع) همین خسارت و پشیمانی بس که رسول خدا نزد پروردگار در روز قیامت خصم و دشمن آنهاست.
که در بحر کامل (متفاعلن متتفاعلن متتفاعلن متتفاعلن) به نظم درآمده است.
یا مثل شعر:

أَرَادُوا لِيُخْفُوا قَبْرَهُ عَنْ وَلِيهِ وَ طِيبُ تُرَابِ الْقَبْرِ دَلَّ عَلَى الْقَبْرِ

(شیر: همان)

آنها خواستند قبر امام حسین (ع) را از دوستدارش پنهان کنند اما بوى خوش خاک قبر خود نشان دهنده قبر است.

در بحر طویل (فولن مفاعیلن فولن مفاعیلن)
یا مانند شعر:

فَأَئِ رَزْيَةٌ عَدْلٌ بِهِ كَفَّا سِنَانٌ
غَدَاءٌ سَطْتُ بِهِ كَفَّا سِنَانٌ

(کرباسی، ۱۹۹۶ م: ص ۱۶۰)

کدام مصیبت است که با مصیبت امام حسین (ع) برابری کند، در روزی که دستهای سنان بن انس نخعی به او حمله کرد.

در بحر وافر (مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن)
مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن

۵- ویژگیهای محتوایی شعر رثای حسینی

۱- عاطفه

عاطفه در رثای حسینی به عنوان رکن اصلی شمرده می‌شود و احساسات آکنده از شعور و شعار در آن حرف اول را می‌زند و مجالی برای در بر گرفتن مفاهیم ارزشی و سیاسی شاعران می‌باشد و در حقیقت نقش ادعا نامه شیعه علیه همه دستگاههای ستمگر را بازی می‌کند. رثای حسینی با وجود عاطفه محور بودنش، خشمی علیه حاکمان غاصب و احیاگر مفاهیم زنده و زندگی ساز و نشر ارزشهای ماندگار است که زیر بنای جهاد و جانبازی در راه عقیده به شمار می‌آید. بنابراین می‌توان جلوه‌های عاطفه در رثای حسینی را چنین بیان کرد:

۱-۱: آمیختگی عواطف با اصول و مبانی اعتقادی شیعه

شاعر شیعی عواطف خویش را در پیوند ناگسترنی با اصول و مبانی شیعی رقم زده و از راه شعر به بیان آن اصول پرداخته است، مثل رثای عبیدالله خزاعی (۳۰۰ ق):

تَحَرَّ فَكَمْ لَكَ مِنْ أُسْوَةٍ تُسْكُنْ عَنْكَ غَلِيلَ الْحَرَنْ

وَذَبْحُ الْحُسَيْنِ وَسُمُّ الْحَسَنْ بُمُوتِ الْبَيِّ وَخَذْلِ الْوَصِّيِّ

وَأَخْذِ الْحُقُوقِ وَكَشْفِ الْإِحْنَ بَجَرَ الْوَحْسِيِّ وَغَصْبِ التُّرَاثِ

وَحَرْقِ الْكِتَابِ وَتَرْكِ الْسُّنْنَ وَهَدْمِ الْمَنَارِ وَبَيْتِ الإِلَهِ

(مسعودی، بی تا: ج ۲، ص ۴۲۸)

آرام باش، چون تو در مصیبت الگویی داری که سوزش حزن و اندوه را از تو می‌کاهد.
با مصیبت رحلت پیامبر و خوار نمودن جانشین او و کشته شدن امام حسین (ع) و مسموم کردن امام حسن (ع) و به زنجیر کشیدن جانشین پیامبر و غصب کردن میراث او و گرفتن حق آنان و بر ملا کردن کینه

شان نسبت به پیامبر و منهدم کردن مسجد و خانه خدا و سوزاندن قرآن کریم و کنار نهادن سنت پیامبر. در این اشعار، شاعر با تعبیری عاطفی در سوگ کشته شدگان طف، به بیان اصول، مبانی و اعتقادات ارزشی شیعه در باره خلافت می‌پردازد.

۵-۱-۲: صداقت عواطف در بیان مراثی

شاعران شیعه ناخودآگاه عاشق مکتب خود و وامدار آن هستند و عاطفه شان از محبت اولیای شیعه سرشار و با پوست و خون آنان عجین می‌باشد و مانند دیگر شاعران جهت دریافت صله و پاداش به ابراز احساسات غیر صادقانه خود نمی‌پردازند. ایشان به عواطف خود این مجال را می‌دهند که به تمامی امکان بروز و ظهور یابد و هرگز سعی در کتمان آن نمی‌کنند. این بیان صادقانه عواطف و احساسات که از عظمت رویداد کربلا و وقوع حوادث خونین و سرشار از خشونت و عدوات آن و مصایب جانگذار خاندان پیامبر سرچشمۀ گرفته، افزون بر شعر شاعران شیعی به سروده‌های دیگر شاعران نیز راه یافته است، برای نمونه می‌توان به صداقت عاطفه در رثای عبدالله بن معتن عباسی که خود از خلفای عباسی بوده و به عداوت با علویان مشهور است، اشاره نمود که در برابر عظمت امام حسین (ع) و بزرگی فاجعه کربلا سر تعظیم فرود می‌آورد و با صداقت کامل و بدون مصلحت اندیشه، شعر می‌سراید:

فِيَا مَنْ عَنْدُهُ الْقَبْرُ وَ طِينُ الْقَبْرِ قُرْبَانُ
بِأَسْيَافِ لُكْمٍ أُودِي حُسْنٌ وَ هُوَ ظَمَانُ
وَ دَأْبُ الْعَلَويِّينَ لَهُمْ حِجْرٌ وَ كُفَرَانُ

(ابن المعتز، بی تا: ص ۷۱)

ای کسی که قبر در برابر او قرار دارد و خاک قبر قربانگاه (و راه دستیابی به قرب الهی) است.

با شمشیرهای شما، حسین (ع) تشنۀ لب کشته شده است.

عادت علوی‌ها این است که آنان را (علویان)، کافر و دروغگو می‌دانند.

۵-۱-۳: بیان عاطفی مراثی به سبک شاعران جاهلی

برخی از شاعران در رثای حسینی مانند شاعران قدیم و به سبک جاهلی بر خرابه‌های اهل بیت (ع) ایستاده و به رثای محبوب سفر کرده پرداخته و اندوه خویش را از مواجهه با خانه و جایگاه خالی عزیزان از دست رفت، چنان که این شیوه در قصاید جاهلی مرسوم بوده است، بیان داشته‌اند. نمونه بارز آن را می‌توان در تائیۀ دعبدل خزاعی (۴۶ق) مشاهده کرد:

مَدَارِسُ آيَاتٍ حَلَّتْ مِنْ تَلَاؤِ
وَ مَنْزِلُ وَحْيٍ مُّقْفِرُ الْعَرَصَاتِ
لَا لِرَسُولِ اللهِ بِالْخِيفِ مِنْ مِنِي
وَ بِالرُّكْنِ وَ التَّعْرِيفِ وَ الْجَمَراتِ
دِيَارُ عَلَيٰ وَ الْحُسَيْنُ وَ جَعْفَرٌ
وَ حَمَزةَ وَ السَّجَادَ ذِي الْفَنَاتِ

(دعبدل، ۱۹۸۹: ص ۱۲۴)

محلهای آیات از تلاوت خالی گشت و منزلگاه وحی خالی از سکنه گردید.
 خاندان رسول خدا (ص) در منا و رکن و عرفات و جمرات منزلگاه هایی داشتند
 سرزمین علی، امام حسین(ع)، جعفر، حمزه و سجادی که در اثر سجده، پیشانی پینه بسته داشت، محل
 تلاوت آیات بود.

چنان که می بینیم، دعبل چون شاعر جاهلی قصیده اش را با گریه بر خرابه و ویرانه ها و منازل خالی
 اهل بیت آغاز می کند. این سبک که در دوره جاهلی سابقه داشته و برای زمینه سازی جهت همراهی
 مخاطب با فضای غم و اندوه به کار گرفته می شد، در شعر حسینی نیز نقشی مهم در ایجاد فضای عاطفی و
 غم و اندوه شاعر از هجران اهل بیت بر عهده می گیرد.

۴-۵: غلبه فضای حزن بر عواطف و شکایت از روزگار به خاطر مصایب واردہ بر اهل بیت (ع)
 در این حالت شاعر از حزن و اندوه ژرف رنج می برد و از شدت آن، روزگار رانیز در سنگینی گناه
 مردمانش در قتل فرزندان رسول خدا(ص) شریک می داند و آن را به خاطر حوادث و مصایبی که بر
 فرزندان علی بن ابی طالب(ع) وارد کرده است به باد انتقاد می گیرد، مثل:

فَيَا أَسْفَى عَلَى هَوَاتِ دَهِ
 تُقْتَلُ فِيهِ أُولَادُ الزَّكَرِ
 أَلَمْ يَحْزُنْكَ أَنَّ بَنِي زِيَادٍ
 أَصَابُوا بِال்தَّرَاتِ بِنِي الشَّيْبِ

(خوارزمی، ۱۹۴۸ م: ج ۲ ص ۱۳۳)

تأسف می خورم بر لغزش‌های روزگاری که در آن فرزندان پیامبر کشته می شوند.
 آیا انتقام فرزندان زیاد از فرزندان پیامبر، تورا محزون و اندوه‌گین نساخت؟

شاعر حسینی ضمن رثای امام حسین (ع) و یارانش اعلام می دارد که این واقعه در میان حوادث
 روزگار نظیر نداشته و این ستمی که زمانه بر آنها روا داشته در هیچ دوره‌ای و بر هیچ کس دیگر روا
 نداشته است و با این بیان اوج مظلومیت آن بزرگواران را به تصویر می کشد:

كَيْفَ الْقَرَارُ؟ وَ فِي السَّيَّاِيَا زَيْنُبُ
 تَدْعُو يَفْرَطُ حَرَارَةً يَا أَحْمَدُ
 هَذَا حَسَيْنٌ بِالسُّبُوفِ مُبْضَعٌ
 مُتَلَطِّخٌ بِدِمَائِهِ مُسْتَشَهُدٌ

(شیر، همان: ج، ۱ ص ۳۰۷)

چگونه آرام و قرار بگیرم در حالی که زینب (ع) از روی حرارت غم و اندوه فریاد یا احمد
 برمی آورد؟

این حسین (ع) است که بدنش قطعه قطعه و به خون آغشته شده و به شهادت رسیده است.
 شاعران در این دوره با وجود تبلیغات آتشین بر ضد اهل بیت(ع) و نیز تلاش دستگاه عباسی برای به
 انزوا کشاندن و وارونه جلوه دادن اهل بیت(ع) و یارانشان، با شهامت تمام اهل بیت(ع) را بهترین خلائق
 و اولاد آنها را بهترین فرزندان، می دانستند.

۵-۲: اندیشه

اندیشه و جهان بینی شاعران در رثاهای این دوره، خاص و با گرایش شیعی است، اگر چه برخی از این شاعران چون ابن معتر عباسی شیعه نبودند، اما خاندان پیامبر(ص) در مرکز توجه قرار دارند و جز آنها و راهشان، کسان و چیزهای دیگر کمتر به چشم می‌آیند. شاعران حسینی خود را متعهد به اندیشه‌های حاکم بر شعر می‌دانند و در آن التزام شیعی خویش را ابراز می‌دارند.

إِذَا ذَكَرُوا عَيَّاً أَوْ بَنِيهِ تَشَاغَلُوا بِالرُّوَايَاتِ الدِّينِيَّةِ
وَقَالَ تَجَاوِزُوا يَا قَوْمُ عَنْهُ فَهَذَا مِنْ حَدِيثِ الرَّافِضِيَّةِ
بَرِيتُ إِلَى الْمُهَمَّيْمِينَ مِنْ أَنَّاسٍ يَرُونَ الرَّفْضَ حُبَّ الْفَاطِمِيَّةِ

(همان:ص ۲۹۱)

هرگاه در مجلسی از او و فرزندانش یاد کنند برخی از آنان به روایات بی ارزش روی می‌آورند. می‌گویند ای قوم، از او (علی) صرف نظر نمایید زیرا این سخن را فضیها است. من از مردمانی که عشق به فاطمه را، راضی می‌دانند به خداوند قهار پناه می‌آورم.

۵-۳: تخیل

بدون شک تخیل از عناصر اصلی شعر به شمار می‌آید و نقش آن چون نقش تجربه در علم می‌باشد، زیرا شاعر از آن برای درک و بیان جهان واقع به طور هنرمندانه یاری می‌جوید. از این روی تخیل در رثای حسینی ژرف و عمیق است و در راه بیان مقصود ذهنی شاعر، مزه‌های معمول را می‌شکند تا بتواند با مخاطب ارتباط دو سویه بر قرار نماید:

لَا أَضْحِكَ اللَّهُ سِنَّ الدَّهْرِ إِنْ ضَحَكَتْ وَآلُ أَحْمَدَ مَطْلُومُونَ قَدْ قُهْرُوا

(دعبل، همان:ص ۱۸۶)

خداؤند دندهای روزگار را اگر بخندد به گریه تبدیل نماید در حالی خاندان پیامبر(ص) مظلوم واقع شدند و مورد خشم قرار گرفتند. چنان که آشکار است شاعر با بهره‌گیری از تخیل، روزگار را به انسانی تشبیه کرده که دندهایش به هنگام خنده‌یدن می‌درخشد. به همین دلیل فضای هنرمندانه مراثی و سوگنامه‌ها، کششی بی پایان ایجاد می‌کند تا مخاطب را برای پذیرش اندیشه‌های نهفته در تار و پود شعر آماده نماید.

۵-۴: تصویر

تصویر در شعر، بیانی است که به صور ذهنی حاصل از دریافتهای حسی شاعر، زندگی می‌بخشد، به عبارت دیگر باعث می‌شود تا خواننده احساس کند که چیزی را به گونه‌ای متمایز می‌بینند، لمس می‌کند،

می بوید یا می شنود. (رایین، ۱۳۷۵ش:ص ۱۵۵)، یعنی شاعر دریافت خاصی دارد که باعث می شود به واسطه آن اشیایی را که همه روزه می بینیم به گونه ای دیگر القا نماید تا آن را به نوعی دیگر بینیم: از این منظر نیز رثای حسینی در جایگاهی بلند قرار دارد و شاعر تلاش کرده تا از این ظرفیت هنری به بهترین نحوه بهره ببرد، بنابراین تصاویر رثای حسینی با این ویژگیها قابل مشاهده می باشند:

۱-۴-۵: جزئی نگری در تصویرسازی شاعرانه از مهم ترین ویژگیهای تصویر رثای این دوره است به طوری که شاعر با ژرف نگری خاص از کوچک ترین حوادث و اتفاقات و فضاهای برای ایجاد تصاویر ناب شاعرانه استفاده کرده است.

۲-۴-۵: تصاویر هنری و شعری موجود در رثاهای حسینی همواره با بار عاطفی عمیقی همراه می باشد به گونه ای که در بسیاری از موارد این دو به عنوان مکمل هم عمل می کنند و فضای ارتباطی حسی و عاطفی خاصی را برای مخاطب به وجود می آورند.

۳-۴-۵: تصاویر شاعرانه گاه دارای قدرت القایی بالایی هستند به نحوی که وقتی کلمه خون را در رثاهای می خوانیم، تصاویری عمدۀ و برجسته که برای ما مجسم می شود، صحنه های کارزار، قیام و ایشار امام حسین (ع) و یارانش می باشد، برای مثال اشعار زیر می تواند اغلب موارد یاد شده را نشان دهد:

یا جَدُّ ذَا صَدْرُ الْحُسَيْنِ مُرَضَّضٌ وَالْحَيْلُ تَنْزَلُ مِنْ عُلَاهٍ وَتَصْعَدُ

یا جَدُّ قَدْ مُنْعُوا الْفُرَاتَ وَ قُتْلُوا عَطَشًا فَكَانَ مِنْ الدَّمَاءِ الْمُؤْرِدُ

یا جَدُّ حَوْلِيِّ مِنْ يَتَامَى إِخْوَتِي مِنْ الذُّلِّ قَدْ سُلِبُوا الْقِنَاعَ وَ جُرِدُوا

یا جَدُّ إِنَّ الْكَلْبَ يَشْرَبُ أَمَنًا رَيَّاً وَنَحْنُ عَنِ الْفُرَاتِ نُطَرَدُ

(کرباسی، همان: ص ۷۲)

ای جدم، این سینه حسین است که زیر سماها کوبیده می شود و اسبها بر بالای آن می روند و از آن فروود می آیند.

ای جدم، آنان از آب فرات منع شده و تشنه لبان کشته شدند و آبشخور آنان خون گردید.

ای جدم، در اطراف من یتیمان برادرانم با ذلت و خواری حضور دارند که روپوش از سر آنان گرفته شد و سرهای شان بر هنر گردید.

ای جدم سگها (نیروهای ابن زیاد) با آرامش از آب می نوشند و سیراب می شوند در حالی که ما از آب و فرات رانده می شویم.

هم چتین تشبیهات فراوان، آرایه های بدیعی، تضمینها، تلمیحات و تصاویر بر زیبایی سرودها افزوده و از یک سو نشانگر آن است که شاعر با استفاده از مجموعه این تصاویر و آگاهی از فرهنگ آیینی که

ریشه در عشق راستین او به اهل بیت(ع) دارد، مخاطب را به اصل قضیه رهنمون می‌سازد و از سوی دیگر در رثاهای تلاشی مضاعف برای ایجاد تصاویر تراژدی گونه وجود دارد، به گونه‌ای که تجسم این تصاویر، روح و عواطف خواننده را به جوشش و غلیان در می‌آورد.

۵- مضمون

مراثی حسینی از حیث درون مایه و محتوا به دو دسته مشخص تقسیم می‌شوند، دسته اول که در آن شاعران با پرداختن به جنبه‌های تاریخی، روحی و عاطفی ماجرا با سرایش سوزناک‌ترین مراثی ظهر عاشورا، عواطف خویش را مصروف مقتل نگاری منظوم کرده و خواننده را با دریای موجی از عواطف غلیان کرده و داغدار و مصیب زده باقی گذاشته‌اند.

دسته دوم گروهی هستند که کاربردی‌تر، اجتماعی‌تر و حماسی‌تر عمل می‌کنند و با نگاهی منتقدانه، سوگوارانه و گریه‌آمیز به واقعه می‌پردازند.

با این توضیحات، شاعر شیعی به واسطه ذوق هنری خود مضامین بکر و بدیعی را آفرید. از جمله بیان گریه کائنات و تأثر آسمان و زمین در رثای حسینی است که شاعر بنابر حزن و اغراق شاعرانه، تمامی کائنات را در تأثر از حادثه کربلا و شهادت فرزندان رسول خدا(ص) با خود شریک و هم‌صدا می‌پندارد، مثل:

فَلَقْدْ بَكَّتُهُ فِي السَّمَاءِ وَ مَلَائِكَةُ زُهْرَ كِرَامٌ رَاكِعُونَ وَ سُجَّدُ

حَوْلَ النُّجُومِ تَبَاكِيَا وَ الْفَرَقَدُ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ الْمُنِيرُ كِلَاهُما

(شبر، همان: ص ۳۰۶ - ۳۰۷)

به تحقیق در آسمان، فرشتگان خوش سیما و بزرگوار و رکوع و سجده کننده، بر او گریستند. خورشید و ماه در خشان و ستاره فرقد نیز در غم او گریان شدند.

در این ایات شاعر با آوردن حسن تعلیل که نشان از گریه کائنات، دارد برآن است تا اهمیت این گریه و اشک ریختنها را در سوگ شهادت فرزندان رسول خدا بیان نماید. یکی از مضامین دیگر، دعای خیر برای شهیدان کربلا و طلب نزول رحمت بر قبرهایشان است. شاعر ضمن درود بر قبر امام و شهیدان برای ارواح آنان دعای خیر کرده و از خداوند می‌خواهد قبرشان را با باران رحمت خویش سیراب سازد. (همین مقاله: ص ۹)

۶- محتوا

از لحاظ محتوا می‌توان به بیان مودت با فرزندان رسول خدا(ص) و کراحت از دشمنانشان اشاره نمود، که شاعر در رثا، عشق خود را به آن خاندان اظهار می‌دارد و خود را از پیروان آنان معرفی می‌نماید. از آنجا که این نوع موضع گیری با مخالفت خاندان عباسی مواجه می‌شود شاعر ضمن بیان آن مودت، پیکان هجمة شعریش را که با بیانی هجوآمیز همراه است، متوجه خاندان بنی امية می‌کند، زیرا می‌داند عباسیان با آنان رابطه خوبی ندارند.

با وجود این، برخی از شاعران از بیان حقانیت و ستمهای عباسیان نسبت به خاندان پیامبر(ص) هیچ ابایی نداشتند و به صراحت به فجایع آنان نسبت به اهل بیت(ع) اشاره می کردند (کرباسی، همان: ص ۱۴۱) در این مورد می توان به شعر عبدالله بن رایله الطوری اشاره کرد:

تَاللَّهِ إِنْ كَانَتْ أُمَّيَّةً قَدْ أَتَتْ قَتْلَ إِنْ بِنْتَ تَبَّاهَا مَظْلُومًا
فَلَقَدْ أَتَاهُ بُنُوْ أَيِّهِ يَمْنَلِهِ فَغَدَا لَعْمَرُكَ قَبْرُهُ مَهْدُومًا

(صنعتی، ۱۹۹۹ م: ج ۲، ص ۸۸)

سوگند به خدا اگر بنی امیه پسر دختر پیامبر را مظلومانه به شهادت رسانندند.
یقیناً بنی عباس به مثل آنان رفتار کردند و به جانت سوگند که قبرش را ویران نمودند.
دیک الجن نیز در بیان مظلالمی که بر خاندان پیامبر(ص) وارد شد، رثای خویش را با نفرین قاتلان آنان پی می گیرد و با زبانی تند آنان را مورد شدیدترین انتقادات قرار می دهد. او به دلیل این فجایع و ستمها نسبت به اهل بیت(ع)، اندوهی فراوان در خویش احساس می کند، از این رو یکی از صادق ترین رثاها را با زبانی که چاشنی هجو را با خود همراه دارد، می سراید و از رنچ خاندان پیامبر(ص) و حق آنان سخن می گوید:

لَا دَرَّ دَرَّ الْأَعَادِيِّ عِنْدَمَا وَتَرُوا وَ دَرَّ دَرَّكِ مَا تَحْوِينَ يَا حُفَّرُ
لَمَّا رَأَوا طُرُقَاتِ الصَّبَرِ مُغَرَّضَةٍ إِلَى لِقَاءِ وَ لُقِيَا رَحْمَةٍ صَبَرُوا
قَالُوا لِأَنفُسِهِمْ يَا حَبَّذَا نَهَلْ مُحَمَّدٌ وَ عَلَىٰ بَعْدَهُ صَدْرُ
رُدُوا هَنِئَا مَرِيَّا آلَّ فاطِمَةَ حَوْضَ الرَّدَّيِّ فَأَرْتَضُوا بِالْقُتْلِ وَاصْطَبِرُوا

(دیک الجن، همان: ص ۱۳۷)

کار دشمنان به نتیجه نرسد آن هنگام که مرتكب جنایت و ظلم شدند. ای قبرها باران نعمت بر کسانی که تو آنها را در خود جای داده ای، فراوان بیارد.
آنها، وقتی راه های صبر را به سوی جنگ و ملاقات با خداوند و رحمت او دیدند بر آن مصیبتها صبر پیشه کردند.

آنان با خود گفتند: چه خوب آبشخوری است که محمد و علی پس از او، از آن بیرون آمدند.
گفتند: ای خاندان فاطمه وارد آبشخور مرگ شوید و آن بر شما گوارا باد، آنان نیز به کشته شدن و مرگ راضی شدند و در مقابل آن صبر پیشه کردند.

تبیین عمق واقعه کربلا و تشریح ابعاد آن یکی از مفاهیم رثای حسینی می باشد که شاعران به بازخوانی دوباره آن و شهادت امام(ع) پرداختند، چون امویان و عباسیان با تبلیغات کینه توزانه خود خاندان پاک پیامبر را در نظر مردم منفور جلوه دادند و خود را از نزدیکان پیامبر معرفی کردند تا جایی که پس از

پیروزی قیام عباسیان و استقرار حکومت ابوالعباس سفاح، ده تن از امراه شام نزد وی رفتند و همگی سوگند خوردند که ما تا زمان قتل حسین(ع) نمی دانستیم رسول خدا(ص) جز بني امية خویشاوندی دارد.
 (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۱ م : ۷، ص ۱۵۹)

از این رو شاعران به بیان بسیاری از مسایل در رثای خود پرداختند تا عکس العملی در برابر تبلیغات عباسیان باشد:

وَ مِمَّا شَجَأْ قَلْبِيْ وَ أُوكَفَ عَبْرَتِيْ
 مَحَارِمُ مِنْ آلِ النَّبِيِّ اسْتُحِلَّتْ

(اصفهانی، همان: ج ۷، ص ۱۸۵)

یکی از چیزهایی که قلبم را اندوهگین کرده و اشکم را جاری ساخت این است که محارم خاندان پیامبر(ص) مباح شمرده شدند.

او در این رثا، اندوه خود را تنها شدت حادثه کربلا نمی داند بلکه عامل اساسی آن را حرمت شکنی نسبت به فرزندان رسول خدا به شمار می آورد.

از بارزترین شاخصههای رثای حسینی در این دوره، پرداختن به مسئله بیان فضایل اهل بیت(ع) و هدایت گری آنان و احیای نام، یاد و کمالات آنان و افشاء جنایات ظالمان نسبت به خاندان پیامبر(ص) می باشد. به همین جهت در آیینه شعر رثای حسینی و در رواق ادبیات شیعی، تصویری از پاکی ها، فضایل و مبارزات حق طلبانه و مظلومیت عترت و جلوههای نیکی و منزلت اهل بیت(ع) دیده می شود:

يَا عَيْنُ فِي كَرْبَلَاءِ مَقَابِرُ قَدْ
 تَرْكُنَ قَلْبِيْ مَقَابِرَ الْكَرَبِ

مَقَابِرُ تَحْنَهَا مَنَابِرُ مِنْ
 عِلْمٍ وَ حِلْمٍ وَ مَنَظِرٍ عَجَبٍ

(دیک الجن، همان: ص ۸۶)

ای چشم در کربلا مقبره هایی وجود دارد که در دلم مقبره هایی از اندوه باقی گذاشتند.

مقبره هایی که در زیر آن، منبرهایی از علم، برداری و مناظر عجیبی قرار گرفته است.

برخی از شاعران ضمن بیان غرض اصلی خود که همان اندوه باشد به هجو و بیان رذایل امویان و عباسیان و ستم آنان نسبت به فرزندان رسول خدا(ص) پرداختند و خیانتهای امویان را نسبت به اسلام بر شمردند.

بسیاری از رثاهای این دوره به برخی از حوادث خاص تاریخی در جریان شکل گیری واقعه کربلا و شهادت امام حسین(ع) اشاره دارند. این مرثیه ها اغلب حادثی را چون خیانتهای امویان نسبت به خاندان پیامبر(ص) و کارشکنی و خیانت کوفیان در بیعت با امام و چگونگی شهادت یاران آن حضرت بازگو می کنند. اهمیت این رثاهای با توجه به قرب زمانی آن با واقعه کربلا به عنوان منبع و دستمایهای برای مقتل نویسی در دوره های بعد بسیار مشهود می باشد.

در خصوص بیان برخی از مسائل تاریخی می توان به اشعار قاسم بن یوسف الکاتب (۲۱۳ق) اشاره نمود:

تَتَرِى بِمَا وَعَدُوا مِنَ النَّصْرِ
 كَتَبُوا إِلَيْكَ وَأَرْسَلُوا رُسُلاً
 بِاللَّهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْحَجْرِ
 أَعْطُوكَ بَيْعَتَهُمْ وَمَوْنَقَهُمْ
 لَا يَرْهَبُونَ عَوَاقِبَ الْخَتْرِ
 خَرَرُوا مَوَاقِهِمْ وَعَهْدَهُمْ

(شیر، همان: ص ۳۳۲)

آنان برای تو نامه نوشته‌اند و به سوی تو افرادی را پی در پی فرستادند و وعده یاری به تو دادند.
 آنان میان رکن کعبه و حجر اسماعیل با تو بیعت کردند و پیمان بستند.
 اما آنها به پیمانها و عهده‌های خود خیانت کردند و از عواقب این خیانت نهراستیدند.

نتیجه گیری

بنابراین با توجه به اشعار موجود در قرن سوم و علی رغم وجود دستگاه حکومتی مستبدانه و سرکوب شدید پیروان اهل بیت(ع) و تبلیغات خصمانهٔ علیه آنان، شاعرانی شجاع وجود داشتند که از عمق درون و در اثر عشق به اهل بیت(ع) نه به خاطر دریافت پاداش و صله، به سرودن اشعاری غنی و پرپار مبادرت ورزیدند که آن را به دلیل قرب زمانی با حوادث کربلا می‌توان یکی از غنی‌ترین منابع تاریخی و ادبی به شمار آورد.

از منظر تاریخی و محتوایی می‌توان در آن، رویدادهای تاریخی قبل از وقوع حادثه کربلا، روز واقعه و پس از آن و نیز رفتار امویان و عباسیان نسبت به شیعیان و اهل بیت(ع) و حقانیت امام حسین(ع) و خیانتهای امویان و عباسیان در حق ایشان و تبلیغات زهرآگین و کینه توزانه آنان نسبت به خاندان پیامبر(ص)، بیان فضایل اهل بیت(ع) و کمالات و هدایت گریهای آنان و افشاء جنایات ظالمان را مشاهده نمود.

از نظر ادبی رثای حسینی این دوره، دارای زبانی نرم و بی‌پیرایه با متداول ترین واژگان میباشد و در اوزان و بحرهای خاصی متوقف نشده، بلکه به مناسبت موضوع از بحرهای مختلف استفاده گردید. شاعران حسینی در مرثیه‌های خود برخلاف دیگر شاعران که غالباً از عاطفة غیر واقعی برخوردارند، دارای صداقت عاطفه می‌باشند که این عاطفه حکایت از حزن و اندوه عمیق آنان در شهادت امام(ع) و فرزندانش دارد، عاطفهای دینی که شاعر عواطف خود را با اعتقادات مذهبی و شیعی پیوند زده و شعر را جولانگاهی برای تجلی این عواطف ناب قرار داده است.

تخیل موجود در مراثی، تخیلی سیال و ژرف میباشد که جزئی نگری از مهم‌ترین ویژگیهای آن است به نحوی که شاعر، گاه از دقیق ترین حوادث و اتفاقات در تصویرسازی مرثیه‌های خود کمک می‌گیرد و با این تخييل سیال و ژرف، ارتباط عمیقی با خواننده برقرار می‌نماید و او را تا آخر قصیده با خود همراه می‌کند.

اندیشه و جهان بینی شاعر در رثای حسینی این دوره، اندیشهٔ خاص و با گرایش شیعی است هر چند که برخی از آنان چون ابن معتز عباسی شیعه نبودند اما در رثای این دوره، شاعر، خاندان اهل بیت(ع) را در مرکز می‌بیند و جز آنها و راهشان هیچکس و هیچ راهی را بر نمی‌تابد.

به طور کلی می‌توان گفت رثاهای حسینی قرن سوم دارای عاطفةٔ صادقانه، آمیخته با مبانی اعتقادی که فضای غالب بر آن حزن و اندوه می‌باشد، در کنار تخييلي هنرمندانه و تصویرسازی شاعرانه با بار عاطفی عمیق و دارای قدرت القایی بالا، همراه با مضامین نو و درون مایهٔ ابتکاری می‌باشد.

منابع و مأخذ

- ١- ابن ابى الحدید، عبدالحکیم بن هبة الله (١٩٦١م)، *شرح نهج البلاعه*، دارالاحیاء للكتب العربية، بيروت.
- ٢- ابن ابى السلمى، زهیر (٢٠٠٥م)، *ديوان زهير*، اعداد حمدو طماس، دارالمعرفة، بيروت.
- ٣- ابن المنظور، محمد بن مكرم (١٩٩٨م)، *لسان العرب*، دار احياء الثرات العربي، بيروت.
- ٤- ابن ثابت، حسان (بى تا)، *ديوان الاشعار*، بيروت.
- ٥- ابن عبد ربه، احمد بن محمد (١٩٨٣م)، *العقد الفريد*، دارالكتب العربية، بيروت.
- ٦- ابن معتر، ابوالعباس عبدالله، (بى تا)، *ديوان الاشعار*، بمناظرة والتزام عبدالباسط الاسنى، طبعة الاقبال، بيروت.
- ٧- اصفهانى، ابوالفرح، الاغانى (بى تا)، دارالكتب المصرية، قاهره.
- ٨- امين، محسن (١٩٦٣م)، *الدر التضييد في مراثي السبط الشهيد*، سنجقد عاص، دمشق.
- ٩- جوهرى الفارابى، ابواسماعيل (١٩٩٨م)، *الصحاح*، دارالفكر، بيروت.
- ١٠- حمصى، ديك الجن (٢٠٠٤م)، *ديوان تحقیق مظہر الحجی*، اتحادالكتاب العرب، دمشق.
- ١١- حوفى، احمدالمحمد (بى تا)، *ادب السياسة في العصر الاموى*، دارالقلم، بيروت.
- ١٢- دعبل (بى تا)، *ديوان*، دارالثقافة، بيروت.
- ١٣- راین، اسکلن (١٣٧٥ش)، *حكایات شعر*، ترجمة مهرانگیز اوحدی، نشر میترا، چاپ اول، تهران.
- ١٤- سیاح احمد (١٣٧٥ش)، *المتجل العربي* (فرهنگ دانشگاهی)، انتشارات اسلام، چاپ سوم، تهران.
- ١٥- شیر، جواد (١٤٠٩م)، *ادب الطف او شعراء الحسين (ع)*، دارالمرتضى، بيروت.
- ١٦- شوشتري، جعفر (١٩٩٤م)، *الخصائص الحسينية*، دارالرسور، لبنان، بيروت.
- ١٧- صدر، سیدحسین (١٣٥٢ش)، *تأسیس الشیعۃ لعلوم الاسلام*، منشورات الاعلمی، تهران.
- ١٨- صنعانی، ضیاءالدین (١٩٩٩م)، *نسمة السحر بذكر من تشییع و شعر*، تحقیق کامل سلمان جبوری، دارالمورخ العربي، بيروت.
- ١٩- ضیف، شوقی (١٩٩٥م)، *الرثاء*، دار المعرفة، قاهره.
- ٢٠- طبری، محمدبن جریر (١٣٧٥ق)، *تاریخ الامم و الملوك*، دارالحدیث، بيروت.
- ٢١- طریحی، فخرالدین (بى تا)، *المنتخب في جمع المراثی و الخطب*، المطبعة الحیدریة، نجف
- ٢٢- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (١٩٩٩م)، *قاموس المحیط*، دارالفکر، بيروت.
- ٢٣- کرباسی، محمد صادق (١٩٩٦م)، *ديوان القرن الثالث*، دائرة المعارف الحسينية، لندن.
- ٢٤- مسعودی، علی بن الحسن (بى تا)، *مروج الذهب*، المکتبة الاسلامیة، بيروت.
- ٢٥- ناصیف، امیل (بى تا)، *اروع ما قيل في الرثاء*، دارالجیل، بيروت.



شماره اول - ویژه‌ادبیات دینی

